

بیانیه‌های اخیر موسوی و خاتمی و موضع جبهه اصلاحات

جبهه اصلاحات : همراه خاتمی می‌شویم

موضع تشکیلات اصلاح‌طلبان در ارتباط با
بیانیه‌های اخیر مهندس میرحسین موسوی و
سید محمد خاتمی



گروه سیاسی

بلافاصله پس از رخدادهای اعتراضی اخیر موضوع راهبردهایی که کشور با استفاده از آن می‌تواند چالش‌های پیش رو را پشت سر بگذارد، مطرح شدند. در این میان دو گزاره کلی از سوی چهره‌های سیاسی برجسته کشور مطرح شدند. برخی با اشاره به ظرفیت‌های قانون اساسی اعلام کردند، اصلاح وضعیت کشور از طریق ساز و کارهای موجود در قانون اساسی امکان‌پذیر است. رویکرد دیگری هم مطرح شد و آن اینکه اصل قانون اساسی نیازمند اصلاح است و نگاه اصلاحی باید دامنه‌های وسیع‌تری را در بر بگیرد. خاتمی و میرحسین موسوی دو چهره‌ای بودند که تحلیل آنها در خصوص فضای موجود کشور بازتاب‌های وسیعی پیدا کرد؛ خاتمی از وجود صخره ستبر در برابر اصلاحات سخن گفت و موسوی خواستار اصلاحاتی فراتر از قانون اساسی شد. جبهه اصلاحات روز گذشته

با انتشار بیانیهای تلاش کرد، تحلیلی از مجموعه تحولات اخیر و مباحث مطرح شده در فضای عمومی و رسانه‌های کشور ارائه کند. جبهه اصلاحات با واکاوی چرایی بروز مشکلات کشور و با طرح این پرسش که چرا کشور از آرمان‌های سال‌های ابتدایی انقلاب دور شده است، تلاش می‌کند راهبردی برای عبور از مشکلات ارائه کند. راهبردی که در بیانیه آن را کورسوی امید و واپسین تلاش‌های خیرخواهانه ممکن ارزیابی کرده و تمسک به آن را راه‌حل عبور از مشکلات می‌داند. جبهه اصلاحات در این بیانیه ضمن اشاره به راهبردهایی که خاتمی ارائه کرده، آن را «تلاشی برای گشودن راه برون‌رفت از این وضعیت» عنوان کرده و از افکار عمومی و شاید حاکمیت می‌خواهد: «با خاتمی همراه باشیم.»

در متن این بیانیه آمده است: «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم؛ ۴۴ سال از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ که با مشارکت قاطبه ملت ایران علیه نظام خودکامه و استبدادی شاهنشاهی رخ داد، می‌گذرد. آن انقلاب به سبب آنکه غالب مردم دارای انگیزه‌های دینی بودند و رهبر بلامنازعش نیز یک مرجع تقلید بود، اسلامی نامیده شد و سپس نظامی که با خواست و رأی اکثریت قاطع مردم از پی آن برآمد «جمهوری اسلامی» نام گرفت. این نظام موظف بود آرمان‌های انقلاب از جمله استقلال، آزادی، جمهوریت؛ به معنای حاکمیت رأی و اراده ملت و اسلامیت؛ به معنای عدالت علوی و زیست معنوی مبتنی بر آموزه‌های اسلام و نیز گفته‌ها و وعده‌های رهبر انقلاب در نوفل‌لوشاتو را تحقق بخشد، همان‌ها که موجب شوق روزافزون و وحدت پیروزی‌آفرین در انقلاب شد.

اکنون پس از گذشت ۴۴ سال، از آن آرمان‌ها و وعده‌ها فاصله بسیار پدید آمده و در برخی از موارد در قیاس با زمان وقوع انقلاب حتی پس‌روی شده است. علاوه بر این اکنون با تمسک به نام اسلام و در تعارض قرار دادن آن با سایر آرمان‌ها و اهداف انقلاب، جمهوریت، آزادی، حقوق بشر و بسیاری از اصول قانون اساسی نادیده انگاشته شده است.

با این حال قاطبه ملت در این مدت هرگاه لازم بوده از نظام مستقر حمایت بی‌دریغ کرده و در هر مجالی و هر امری که ممکن بوده، مشارکت کرده است تا بلکه آن آرمان‌ها و وعده‌ها تحقق یابند. اما انگیزه و مشارکت آنان قدر شناخته نشده و رأی و نظر آنان پاس داشته نشده است.

هر اندازه از جانب مردم مطالبه اصلاح صورت گرفته، از جانب قدرت مستقر بی‌توجهی و بی‌اعتنایی سرزده است. تا سرانجام امروز به نقطه‌ای رسیده‌ایم که اکثریت ملت در یک سو ایستاده است و حاکمیت در سویی دیگر. دستی که از جانب ملت برای مشارکت و کمک به اصلاح امور

بیرون آمده بود پس زده شد و صدای آنان به گوشی نرسید و همه تلاشها برای ایجاد فضای گفتگو بی‌حاصل ماند.

سوالی که این روزها اذهان بسیاری را به خود مشغول کرده، آن است که به راستی چه شد و چرا حاکمیت، بی‌اعتنایی به قانون اساسی و رأی و نظر مردم را به آنجا رساند تا مهندس میرحسین موسوی که بیش از دوازده سال است در حصر غیرقانونی و ظالمانه به سر می‌برد و نماد ایستادگی و مقاومت است، مطالبه اجرای بدون تنازل قانون اساسی را که شعار اصلی جنبش سبز بود فرو گذارد و رویکرد اصلاح قانون اساسی را پس از کسب نظر از مردم به وسیله رفراندوم، راه گذار از وضع نامطلوب کنونی بداند. هر چند افقی که او گشوده همان‌طور که خود ایشان ذکر کرده نیازمند همفکری و مشورت برای ابهام‌زدایی و چگونگی انجام است.

در عین حال واپسین رمق اصلاح‌طلبی و کورسوی امید در بیانیه خیرخواهانه و مسوولانه سیدمحمد خاتمی که توانست در دوره ۸ ساله ریاست‌جمهوری‌اش افق و چشم‌انداز امیدبخشی پیش چشم مردم ایران بیاورد، به منصفه ظهور رسیده است. واهمه و پرهیز از هرج‌ومرج و خشونت بی‌پایان و در نتیجه تباه شدن آینده ایران و فرزندان آن، این تکلیف را به ما می‌دهد که در تلاشی که این بیانیه برای گشودن راه برون‌رفت از این وضعیت صورت می‌دهد، با خاتمی همراه باشیم.

در حالی که بر اساس همه دریافته‌های حسی و تحلیلی و همان‌طور که در بیانیه آقای خاتمی تصریح شده است، صخره‌ای ستبر در مسیر اصلاح‌جویی ملت قرار گرفته که منطقی‌ترین راه این راه را مسدود بدانیم، اما ایمان دینی به قدرت خداوند و کارسازی زمان و صبر و استقامت مردم ما را همچنان به گشوده شدن راهی به سوی آینده بهتر از دل همین صخره یا ورای آن امیدوار نگاه می‌دارد.

خاتمی به خوبی در بندهای پانزده‌گانه بیانیه خود راه برون‌رفت از وضعیت ناپایدار و فرصت‌سوز موجود را برشمرده است. اکنون عاملیت در مورد تحقق این راهکارها در اختیار صاحبان قدرت است. فرصت برای آنها نامحدود نیست.

سنت تاریخ است و تردیدی نیست که پنجره‌های فرصت عمل پیش پای ملت نیز گشوده خواهد شد. مهم آن است که ملت برای بهره‌گیری از آنها خود را آماده کرده و آماده بماند.

شرایط خطیر است و فرصت‌ها چون ابر می‌گذرد.

یا من اذا تضایقت الامور فتح لها باباً لم تذهب الیه الاوهام. صل علی محمد و آل محمد. افتح لاُمُوري المتضایقه باباً لم یذهب الیه وهم، یا ارحم الراحمین.

□□□□ □□□□□□ □□□□

«□□□□ □□□□ □□

□□□□□□ *1401* □□□□ 27 □□□□□□ □□□□□□ :□□□□